



# فرصت انتخاب بیشتر، یعنی خواندن کتاب‌های بیشتر

## میزگردی با حضور ناشران کتاب‌های مناسب

شنیدن مواضع، سخنان و ایده‌های ناشران، از دغدغه‌های همیشگی ما در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. همانند سال‌های گذشته، برگزاری جشنواره کتاب رشد را برای این کار بهانه می‌کنیم و تا جای ممکن می‌کوشیم دوستانی را به میزگرد دعوت کنیم که در میزگردهای پیشین کمتر حضور داشته‌اند. در عین حال مراقبیم ناشران محترم، در حوزه‌های مختلف نشر فعال باشند. البته ناشران دیگری نیز به این نشست دعوت شده بودند که از حضورشان محروم ماندیم. محمدرضا توکل صدیقی، مدیر مسئول انتشارات صابرین، علی خاکبازان، معاون انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داریوش هفت‌برادران، مدیر مسئول انتشارات فرای علم، فاطمه جمالی مدیر انتشارات پیک ادبیات و امیرصادق فراش‌بندیان، مدیر تهران انتشارات خط سفید در این میزگرد حضور یافته‌اند. در لحظاتی از این نشست فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز حاضر شده است.

است تا اینکه برای مخاطب کتاب انتخاب کنیم. هر انتخابی نوعی اعمال سلیقه است و اینکه ما بخواهیم با سلیقه خودمان بچه‌ها را قالب بزنیم و حق آن‌ها را در انتخاب نادیده بگیریم، در واقع آن نظام هدایت درونی را که خداوند در انسان‌ها قرار داده که با آن دست به انتخاب می‌زنند و همان موجب رشد انسان‌ها می‌شود، به نوعی مختل می‌کنیم. خب البته برخی کتاب‌ها مشخص است که با سن مخاطب متناسب نیستند و موازین اخلاقی و اجتماعی را رعایت نکرده‌اند. اما به‌طور کلی باید اجازه داد دانش‌آموزان خودشان کتاب‌هایشان را انتخاب کنند.

**جوانه:** آیا پیش آمده است که کتابی برای انتشار به شما عرضه شده باشد و شما آن را به این دلیل که برای مخاطب مناسب نمی‌دانید، منتشر نکنید؟ یعنی پیش

**جوانه:** چقدر با این موضوع موافق هستید که عده‌ای کارشناس در یک مرکز بنشینند و کتاب‌هایی را انتخاب و به دانش‌آموزان معرفی کنند و این کار احیانا چه محاسن و آسیب‌هایی دارد؟

**توکل:** حدود سال‌های ۷۲، ۷۳، در برابر ورود کتاب‌های غیر درسی به مدارس مقاومت می‌شد. بعدها آهسته آهسته این در باز شد و خوش‌بختانه اکنون این وضعیت بهتر و فضا بازتر شده است. اما در پاسخ به



پرسش شما باید دید انتخاب با چه هدفی صورت می‌گیرد. اگر ما به انتخاب مخاطب توجه کنیم، طبعاً خیلی راه بهتری



**خاکبازان: نفس  
انتخاب مشکلی  
ایجاد نمی‌کند.  
چگونگی انتخاب  
وراهکارها هستند  
که باید حساب شده  
و دقیق باشند تا  
به هدفی که یکی  
از آن‌ها بسترسازی  
است برسیم**

کند، طبعاً باید دست به داوری و انتخاب بزند.  
**هفت‌برادران:** من هم با اصل و ذات انتخاب موافقم. به نظرم ما باید به جامعه کمک کنیم. در جامعه‌ای که کتاب‌خوان نیست، باید ورود و کمک کنیم که کتاب‌های بهتر در اختیار مخاطب قرار بگیرد. اگر حرفی هست، بر سر چگونگی انجام کار است. من در این زمینه حرف‌هایی دارم که در ادامه می‌گویم. البته می‌دانم در انجام یک کار، نمی‌شود همه سلیقه‌ها را در نظر گرفت و همه ناشران را راضی نگاهداشت.

**کیا:** هدف ما همین است که فرمودید: ایجاد یک بستر مناسب برای تولید منابع مناسب توسط ناشران. الحمدلله این صحبت‌هایی که تا بدین جا از ناشران محترم شنیدیم نشان می‌دهد که ناشران هم با سازمان پژوهش هم‌راستا و هم‌نظرند. همه ما قبول داریم که برای پرورش کودکان اصول و چهارچوب‌های خاصی وجود دارد و از طرفی تعداد کتاب‌هایی که منتشر می‌شود خیلی زیاد است و احتمالاً خود دانش‌آموز نمی‌تواند همه کتاب‌ها را ببیند و از بین آن‌ها کتاب‌های بهتر را انتخاب کند؛ یا معلم‌ان و والدین او نمی‌توانند همه را ببینند و کتاب‌هایی را که حداقل این چهارچوب‌ها را رعایت کرده‌اند، به او معرفی کنند. البته ما منابع بسیار متنوعی را به مخاطب معرفی می‌کنیم و در نهایت او خودش از بین آن‌ها دست به انتخاب می‌زند و منابع دلخواهش را برمی‌گزیند. اگر آموزش و پرورش به اصل لزوم تنوع منابع باور نداشت، می‌توانست انتشار کتاب‌ها را در انحصار بگیرد و فقط کتاب‌هایی را به دانش‌آموز معرفی کند که توسط ناشران آموزش و پرورش منتشر می‌شوند؛ ولی امروز بیش از ۱۰۰۰ ناشر، هر سال ۵۰۰۰ عنوان کتاب برای ما می‌فرستند که نیمی از آن تأیید و معرفی می‌شود؛ این یعنی پذیرش سلیقه‌های متفاوت و احترام به تفاوت ذائقه‌ها. اتفاقاً گاهی پیش می‌آید که ما کتاب‌های تولید شده توسط ناشران آموزش و پرورش را به دلیل بروز برخی اشکالات یا کوتاهی‌ها تأیید نمی‌کنیم. ما هم به اصل تنوع منابع و تنوع ذائقه‌ها معتقدیم و اگر در مسیر دستیابی به این هدف اشکال داریم، شاید یکی از بهترین راه‌ها برای تصحیح اشکال، گفت‌وگوهای ماندگار با ناشران محترم باشد. باز هم از حضور شما ممنون و سپاس‌گزارم.

**جمالی:** من می‌خواهم سؤال شما را با سؤال جواب بدهم. در ایران نهادهای غیر دولتی با سابقه‌ای، مانند شورای کتاب کودک، دست به انتخاب و معرفی کتاب می‌زنند. چرا آموزش و پرورش از نتایج و خروجی‌های این نهادها بهره نمی‌گیرد و چه نیازی می‌بیند که خودش دست به انتخاب کتاب بزند. در حالی که می‌توانست به آن‌ها کمک کند این کار به صورت گسترده‌تر انجام شود و آموزش و پرورش به همان نتایج اعتماد کند و دچار موازی‌کاری نشود.

**از آنکه خواننده درباره کتاب اظهار نظر کند، شما درباره خوب یا بد بودن کتاب نظر بدهید و نظرتان را اعمال کنید؟**  
**توکل:** بله این اتفاق افتاده است؛ ولی من ناشر خصوصی هستم. جایگاه من با شما تفاوت دارد. ما در خانه خودمان می‌توانیم هر طور که دلمان می‌خواهد بچرخیم. ولی وقتی بیرون از خانه پا می‌گذاریم، موازینی را باید رعایت کنیم. جایگاه دولت با یک ناشر خصوصی فرق دارد. دولت باید بستر ساز و فرصت‌ساز باشد. گاهی دولت این نقش را فراموش می‌کند و خودش وارد بازی می‌شود. این جاست که یک رقابت نابرابر شکل می‌گیرد. من در نقش و جایگاه خودم، سیاست‌ها و تشخیص و سلیقه خودم را دارم؛ از جایی هم برای این کار بودجه نمی‌گیرم. اما یک ناشر دولتی چون از بودجه عمومی استفاده می‌کند، مسئول است و حق ندارد طبق سلیقه خودش فعالیت کند. من اگر کتاب خوبی منتشر نکنم، جامعه مرا اصلاح می‌کند. مثلاً کتاب مرا نمی‌خرد و نقد می‌کند. اتفاقاً یکی از نقش‌هایی که نهادهای دولتی می‌توانند ایفا کنند ایجاد فرصت نقد برای جامعه است. دولت باید فضای مناسب را برای تعامل ناشر و مخاطب ایجاد کند و نباید نگران این موضوع هم باشد که مثلاً چهار تا کتاب هم منطبق بر سلیقه او نباشد. حتماً چهارچوب‌ها و خط قرمزهایی هم باید داشت؛ اما این چهارچوب‌ها نباید آن قدر تنگ باشد که کتاب‌ها فقط مطابق با یک سلیقه خاص منتشر و خوانده شوند؛ این در جامعه رشد ایجاد نمی‌کند. البته معنی‌اش این هم نیست که جامعه حتماً کتاب‌های خوب را می‌خرد. من باید به عنوان بازیگر این صحنه سعی کنم سلیقه جامعه را هم رشد بدهم و راه‌هایی را پیدا کنم که جامعه کتاب خوب را بپسندد و انتخاب کند.



**خاکبازان:** من با جناب آقای

توکل موافقم که این سازمان، به عنوان یک بخش دولتی باید بستر مناسب را برای ناشران خصوصی فراهم کند، اما به هر حال ما ناگزیر از انتخاب هستیم. حتی اگر بخواهیم جشنواره‌ای برگزار کنیم که هدفش



بسترسازی باشد، باید از بین کتاب‌هایی که در حوزه‌های مختلف و موضوعات گوناگون منتشر می‌شود، تعدادی را انتخاب و معرفی کنیم. نفس انتخاب مشکلی ایجاد نمی‌کند. چگونگی انتخاب و راهکارها هستند که باید حساب شده و دقیق باشند تا به هدفی که یکی از آن‌ها بسترسازی است برسیم.

کانون پرورش فکری، خودش برگزار کننده جشنواره است و سازوکارها و استانداردهای خودش را دارد. گرچه نمی‌شود گفت این سازوکارها بی‌اشکال است، و خود من هم معتقدم یک جاهایی بهتر می‌توانست عمل کند، اما همواره تلاش کرده این سازوکارها را روزبه‌روز بهتر کند که باید دیگران بگویند چقدر موفق بوده است. اما به‌طور کلی اصل انتخاب کتاب را نمی‌شود کنار گذاشت. وقتی قرار است جشنواره‌ای عده‌ای را به عنوان نویسنده، مترجم یا تصویرگر یا کتاب شاخص به جامعه معرفی



**توکل: یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید نقش بسترسازی باشد**

**جوانه:** به نظر می‌رسد تقریباً هیچ یک از نهادهای فعال در انتخاب کتاب، توجهی به انتخاب کتاب‌های آموزشی و خصوصاً کمک‌درسی نداشتند و دغدغه اغلب آن‌ها معرفی آثار غیر آموزشی و داستانی بود که بعدها اغلب همان گروه‌ها هم کارشان را تعطیل کردند. طرح سامان‌بخشی در زمینه‌ای شکل گرفت که جامعه با انتشار گسترده کتاب‌های کمک‌درسی روبه‌رو بود و از نظر کارشناسان، بسیاری از این کتاب‌ها، فاقد کمترین کیفیت لازم و گاه صرفاً کپی از منابع دیگر و گردآوری سؤال‌های امتحانی مدارس یا خلاصه کردن مباحث کتاب بودند.

**هفت برادران:** کانون پرورش فکری برای کتاب‌خانه‌ها و فروشگاه‌های کتاب خرید می‌کند، اما کارش به جامعیت و گستردگی سازمان پژوهش نیست. سازمان هم به ارزیابی و انتخاب کتاب‌های آموزشی می‌پردازد، هم به کتاب‌های



تربیتی و داستانی در حوزه کودک و نوجوان. **جمالی:** استنباط من این است که چهارچوب‌های خاصی مد نظر آموزش و پرورش است که می‌خواهد آن‌ها اعمال شود. **خاکبازان:** اینکه خانم جمالی فرمودند نهادهای موازی، به نظر من این موازی‌کاری نیست. درست مثل این است که ما بگوییم مثلاً چون بیست تا ناشر کتاب کودک منتشر می‌کنند، پس این‌ها دارند موازی‌کاری می‌کنند. گاه اتفاق افتاده که یک کتاب را دو یا سه تا ناشر هم‌زمان ترجمه کنند، اما نمی‌شود گفت چون ناشری مانند کانون کتاب کودک منتشر می‌کند، پس هیچ ناشر دیگری نباید وارد این حوزه شود. رویکرد و کارکرد آن‌ها با هم متفاوت است. بنابراین جشنواره‌های متعدد که هر کدام انتخاب‌های خودشان را هم دارند، هر چه بیشتر شوند، می‌توانند نظرهای مختلفی را نمایندگی کنند. این انتخاب‌های متنوع نافی هم نیستند و در یک فضای سالم، به یک رقابت سالم و افزایش کیفیت کار منجر می‌شود.

**جمالی:** کاری که آموزش و پرورش انجام می‌دهد، با انتشار کتاب توسط بخش خصوصی، تفاوت ماهوی دارد. آموزش و پرورش نقش سیاست‌گذار دارد و با شورای کتاب کودک یا لاک‌پشت پرنده فرق می‌کند. حالا من یک سؤال دیگر می‌پرسم و آن اینکه وقتی شما فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنید، فکر می‌کنید حوزه تأثیرگذاری شما چقدر است و کجاست؟

**جوانه:** شما چون با فاصله و از بیرون تماشا می‌کنید، شاید بهتر بتوانید پاسخ این سؤال را بفرمایید. نظر خود شما چیست؟  
**فراش‌بندیان:** اساتید عزیز همه حرف‌ها را زدند. من هم

موافقم که مرجعی باشد که کتاب‌ها را ببیند و محصولات بهتر را به مخاطب معرفی کند. بچه‌ها نیاز دارند که محصول باکیفیتی را دریافت کنند. متأسفانه واقعیتی است که بخشی از ناشران هدف صرفاً تجاری دارند. ممکن است سازمان‌های انتشاراتی هر کدام در داخل خودشان بررسی‌هایی انجام دهند، اما اینکه سازمانی کتاب‌های رقبای مختلف را مستقل از تبلیغات هر ناشر بررسی کند، ضرورت دارد.

**جوانه:** سؤال بعدی این است که چه کنیم که همسویی بین ما و ناشران یا تولیدکنندگان منابع آموزشی و مخاطبان یا مصرف‌کنندگان این منابع استاندارد و مناسب یعنی دانش‌آموزان و معلمان بیشتر شود؟

**توکل:** من ابتدا یک توضیحی درباره صحبت قبلی‌ام بدهم. ما یک انتخاب نفی داریم یک انتخاب اثباتی. انتخابی که در جشنواره‌ها انجام می‌شود از نوع اثباتی است؛ یعنی ما بقیه را نفی نمی‌کنیم. می‌گوییم این کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌ایم، حداقل از نظر ما بهتر از بقیه‌اند. اما انتخاب نوع اول در صدد نفی است. یعنی می‌گوید این کتاب‌ها به درد نمی‌خورند و فکر می‌کنیم که مناسب نیستند و شما نباید سراغشان بروید. البته جایگاه شما بین این دو تاست. اساساً به نظر من کار دولت جشنواره برگزار کردن نیست. حالا بر عکس شده است؛ اتفاقاً اکثر جشنواره‌های ما دولتی است! ولی یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید همان نقش بسترسازی باشد که گفتیم. دولت باید به این جشنواره‌ها کمک کند و شما از خروجی این جشنواره‌ها استفاده کنید.

اما عملکردی که بوده، خوش‌بختانه با توجه به شرایط، تا به حال خوب بوده است. این کارها در آموزش و پرورش انجام می‌شود که یک زمانی، کتاب‌های غیر درسی را به مدارس راه نمی‌داد. حالا این قدر فضا باز است که ۵۰ درصد کتاب‌های منتشر شده امکان ورود به مدارس را دارند. حرف‌های ما نباید باعث شود که این روند را بنینیم و تقویت نشود. همین تلاشی که شده، جای قدر دانی دارد. من خودم هم که کتاب‌ها را می‌بینم احساس می‌کنم واقعاً بیش از پنجاه درصدش به لحاظ محتوا یا چاپ مناسب نیست.

من فکر می‌کنم این نگاهی که به جامعه اجازه انتخاب بیشتر می‌دهد به کتاب‌خوانی بیشتر کمک می‌کند. چون اصولاً انسان از داشتن فرصت انتخاب بیشتر، استقبال می‌کند. احساس می‌کند برای تشخیص او احترام قائل‌اند. وقتی شما برای خرید مایع ظرف‌شویی به مغازه سر کوچه می‌روید، برندهای محدودی در آن جا هست که ممکن است برند دلخواه شما در بین آن‌ها نباشد؛ اما اگر به یک فروشگاه بزرگ بروید، ده‌ها برند مختلف را می‌بینید. الان استقبال مردم از فروشگاه‌های بزرگ کتاب مثل باغ کتاب در تهران خیلی زیاد است. خب در این فضا چون مردم قدرت انتخاب بیشتری دارند، کتاب‌های بیشتری هم می‌خرند و بیشتر هم می‌خوانند. این است که هر چه فیلترهای ما طوری تعریف شوند که مثلاً چند کتاب متوسط هم از آن رد شوند،

رشد جوانه  
شماره ۶۱  
پاییز ۱۳۹۷

خیلی بهتر است.

در بحث انتخاب از نوع اثباتی، نهادهای انتخاب کننده مثل شورای کتاب کودک، جشنواره کتاب برتر انجمن فرهنگی ناشران کودک، لاک پشت پرنده، شهید حبیب غنی پور و... هر چه بیشتر بشوند، به نظر من بهتر است. این موازی کاری نیست. این به معنای تضارب افکار و سلیقه‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگوست.



**جمالی:** من که به موازی کاری اشاره کردم، منظورم انتخاب یک نهاد دولتی در مقابل نهاد خصوصی بود؛ و الا در بخش خصوصی هر چه نهادهای متفاوت بیشتری حضور داشته باشند، بهتر است.

### هفت برادران: به نظر من

حضور نهادهای دولتی در بخش نظارتی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اساساً وظیفه دولت نظارت است؛ ما بیشتر با انتشار کتاب توسط آموزش و پرورش مشکل داریم. ناشران دولتی از سرمایه عمومی بهره می‌برند و معمولاً دغدغه بازار یا توجه به نگاه و سلیقه مخاطب ندارند. اغلب هم سرمایه را هزینه می‌کنند و از بین می‌برند و سال بعد دوباره سرمایه جدید جذب می‌کنند.

البته از نظر من، اینکه شما بیش از ۵۰ درصد کتاب‌ها را تأیید می‌کنید، خوب نیست و فایده زیادی ندارد. وقتی ۵۰ درصد کتاب‌های موجود در بازار تأیید می‌شود، از نظر من، وجود نهادهای مانند شما ضرورت ندارد. شما وقتی به عنوان یک نهاد واسط بین تولید کننده و مخاطب قرار می‌گیرید، باید به تمام معنا نقش خودتان را ایفا کنید. قرار این است که کتاب‌ها همسو با سند تحول و برنامه درسی باشند. من یک بنگاه اقتصادی فرهنگی هستم، اما نگاه شما تربیتی است. شما باید از حجه اطلاعات و مفاهیم و کتاب‌های آموزشی نامناسب به مخاطب جلوگیری کنید.

زمانی "راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی" منتشر می‌کردید که خیلی خوب بود. در آن زمان، اوایل توجه روی کتاب‌های آموزشی بود. بعدها کتاب‌های غیر آموزشی هم به منابع مورد ارزیابی اضافه شد.

اتفاقاً شما فقط باید به ۳۰ درصد کتاب‌ها مجوز ورود به مدرسه بدهید تا ناشران به تولید کتاب‌های خوب ترغیب شوند. از این طرف ساختار کتاب خوب را مجدداً تعریف کنید و البته خودتان را با چهارچوب‌ها و نیازهای امروز بازار منطبق کنید.

آزمون بین‌المللی پرلز یک معیار است. ما در آزمون‌های پرلز همواره در ردیف‌های آخر جهان هستیم؛ اما سال ۲۰۱۶ م. برای ما فاجعه بود. ما در این سال، در آزمون سواد خواندن، که به معنای خواندن، درک و استفاده از اطلاعات است، ۴۱ نمره نسبت به میانگین خودمان در ۲۰۱۱ افت داشتیم. این نشان می‌دهد وضعیت خواندن در کشور ما اسف بار است و یکی از مشکلات نبود کتاب خوب است.

یکی دیگر از نقدهای من مربوط به ناهماهنگی‌های موجود بین

بخش‌های آموزش و پرورش است. شما کتاب را تأیید می‌کنید، اما از آن طرف بازرسی و ارزیابی عملکرد، معاونت آموزش ابتدایی و دیگران می‌گویند کتاب کمک‌درسی وارد مدرسه نشود. می‌گوییم این کتاب "داستان" است؛ می‌گویند به ما گفته‌اند با هیچ‌کس قرارداد امضا نکنیم. اگر قرار است کتابی وارد مدرسه نشود، پس فلسفه مصوبه ۸۲۸ و فلسفه حضور شما چیست؟

من سالی بیست تا کتاب بیش‌تر تولید نمی‌کنم، چون نمی‌خواهم کیفیت کتاب‌هایم آسیب ببیند. شما همه کتاب‌های مرا تأیید کرده‌اید؛ چون می‌دانم که بر اساس چه اصول و ساختاری کتاب تولید کنم. کانون پرورش فکری هم کتاب‌های مرا تأیید می‌کند... خب شما چه حمایتی از من ناشر می‌کنید؟ از "پخش مدرسه" به من زنگ زده‌اند که بیا و به ما کتاب بفروش. می‌پرسم کدام کتاب‌ها را می‌خواهید؟ می‌گویند این پنج تا کتابی که اخیراً تأیید شده‌اند. می‌پرسم چطوری می‌خرید؟ می‌گویند دو ماهه می‌گیریم امانی. خب بودجه شما از ما و از ملت است. می‌گویند کتابت را بفروش و شش ماهه پولش را می‌دهیم. در این بازاری که من باید کاغذ را نقد بخرم، باید شش ماهه بفروشم.

**جمالی:** ما ده ماهه هم می‌فروشیم.

**متولی:** معمولاً پخش‌های خیلی بزرگ هم در همین حدود کار می‌کنند.

**هفت برادران:** آن‌ها مربوط به بخش خصوصی‌اند؛ این پخش مربوط به دولت است و باید از من ناشر که کتاب خوب تولید می‌کنم، حمایت کند. باید بگوید من دو ماهه تسویه می‌کنم و تو برو در راستای برنامه درسی کتاب خوب تولید کن؛ من می‌شوم مرکز فروش شما.

### فراش بندیان: برگشت کتاب

هم باز است. یعنی هر قدر که فروش نرود برمی‌گردانند که این شیوه شاید برای کتاب‌های غیر آموزشی و عمومی اشکالی نداشته باشد، اما کتاب‌های کمک‌درسی بازه زمانی خاصی برای استفاده دارد و اگر فروش



نروند باید به تبع کتاب درسی تغییر کنند. کتاب‌های آموزش و پرورش هم که در این چندسال تغییرات زیادی داشته است.

**هفت برادران:** این انتظار زیادی نیست که آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش و جریان‌ساز تربیتی در کشور، بکوشد انسجام درون‌سازمانی و بین‌بخش‌هایش را حفظ کند. وقتی شما کتاب ما را تأیید می‌کنید، مؤسسه منادی تربیت باید بین کتاب‌های تأیید شده و کتاب‌هایی که تأییدیه شما را نگرفته‌اند، فرق بگذارد. به کتاب‌های تأیید شده مثلاً پنج ستاره بدهد و امکان بدهد به کارشناس استان که ۷۰ درصد کتاب‌هایش را از کتاب‌های تأیید شده و خوب بخرد.

**خاکبازان:** با این موضوع که باید از ناشران خصوصی حمایت کرد، خیلی مخالف نیستیم. ولی ناشران خصوصی بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌های زیادی هم در کار دارند. من یک بار برای بازدید



**هفت برادران:**  
**این انتظار زیادی نیست که آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش و جریان‌ساز تربیتی در کشور، بکوشد انسجام درون‌سازمانی و بین‌بخش‌هایش را حفظ کند**



**جمالی: کتاب خوب زیاد است؛ اما به دست مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد این کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی کنید**

از کتاب‌خانه‌های استان‌های کانون رفته بودم. کتابدار یکی از کتاب‌خانه‌ها کتابی را از یک ناشر موفق به من نشان داد و گفت: آخر چرا چنین کتابی تأیید شده؟ من نگاه کردم در صفحه اول این داستان پنج تا قتل اتفاق افتاده بود! یکی از بهترین ناشران، کتابی در آورده که ترجمه است. نوشته دوشنبه اولین روز هفته است! این‌ها فقط چند نمونه است. برخی از ناشرانی که پانزده بیست سال هم سابقه کار دارند، اشتباه‌هایی دارند که نمی‌شود گفت. ما نمی‌توانیم عنان اختیار را به بخش خصوصی بدهیم که هر چه خواست تولید کند و ما فقط نظارت کنیم. خب ممیزی الان هم وجود دارد و چنین کتاب‌هایی منتشر می‌شود. به نظر من باید اجازه داده چند ناشر دولتی به عنوان رقیب بخش خصوصی باقی بمانند تا سره از ناسره جدا شود. درست است که ناشر دولتی بودجه دولتی می‌گیرد و مسئله فروش برایش مهم نیست و ممکن است برخی ناشران دولتی، کتاب‌های فروش نرفته را انبار کنند و در همان زمان کتاب‌های جدیدی را منتشر کنند؛ این عیب هست، اما اینکه ناشر دولتی نگاه صرف به بازار ندارد، خودش می‌تواند یکی از محسنات آن باشد. مشکل از نبود سازوکار صحیح برای نظارت بر کیفیت است، نه دولتی بودن ناشر.

**هفت برادران:** من می‌گویم همه ظرفیت‌ها را متمرکز کنید در جهت تولید کتاب خوب. این بخشی را که در اختیار شماس، در جهت حمایت از کتاب خوب به کار بگیرید تا ناشر به تولید کتاب خوب تشویق شود. ما می‌خواهیم کتاب خوب تولید شود؛ ناشرها کتابی تولید نکنند که در صفحه اولش پنج تا قتل اتفاق بیفتد؛ کتابی تولید نکنند که در آن، بچه پدرش را به گول بدهد که با سیب‌زمینی و سس بخورد!

**جمالی:** اینکه به نهادهای خصوصی انتقاد وارد است، تردید نیست. ما نباید کار را برایشان را سخت‌تر کنیم. کمک کنیم اصلاح شوند و کارشان را بهتر انجام دهند. نبود کتاب خوب هم مشکل نیست. به نظر من کتاب خوب زیاد است؛ اما به دست مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد. به نظر من این حرکت مثبتی است که سامان‌دهی کتاب‌های بیشتری را تأیید می‌کند. هرچه این دایره گسترده‌تر باشد، به قول آقای توکل حق انتخاب بیشتری به مخاطب داده می‌شود. انتظاری که داریم این است که این کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی کنید. قبلاً در انتهای کتاب‌های درسی کتاب‌هایی را معرفی می‌کردید که فهرست کوتاهی بود، اما مورد توجه توده مردم بود و افراد زیادی برای خرید آن کتاب‌ها مراجعه می‌کردند. مثلاً ما یک مجموعه شش جلدی داریم که در کتاب درسی معرفی شده است و بعد از ده سال، هنوز که هنوز است افرادی برای خرید آن مراجعه می‌کنند. شما زحمت زیادی می‌کشید، فهرستگان تولید می‌کنید و به مدارس می‌فرستید، اما آیا دیده می‌شود؟ تعامل بیشتری با مدارس داشته باشید و پرسید که این فهرستگان کجاست و آیا در اختیار معلمان گذاشتند و آیا از آن استفاده می‌کنند؟ کاری کنید که دانش‌آموز وقتی می‌خواهد با مادرش برود خرید کتاب، از فهرست شما خرید کند.

**هفت برادران:** می‌شود یک اپلیکیشن ساخت.

**جوانه:** اتفاقاً ساخت اپلیکیشن هم در برنامه دفتر هست و سفارشش داده شده است. بخش مجلات رشد آماده شده و الان در اپ‌استورها قابل نصب است و انشاءالله بخش کتاب هم به زودی ارائه می‌شود.

**فرش‌بندیان:** به نظر من هم مهم‌ترین موضوع ایجاد هماهنگی و هم‌راستایی بین بخش‌هاست. ما جایی مراجعه کردیم و گفتیم کتاب ما در کتاب‌نامه رشد آمده است. به ما گفتند رئیس منطقه به ما گفته فلان کتاب‌ها را استفاده نکنید. یعنی یک اعمال سلیقه یا دستور شخصی، مصوبه آموزش و پرورش را تحت تأثیر می‌دهد. **هفت برادران:** من در پاسخ به سؤالی که کردید، چند تا خواسته و پیشنهاد دارم:

- لطفاً فهرستی کامل از کتاب‌های مناسبان را به ما بدهید؛  
- در جشنواره فقط ناشران خوب را انتخاب نکنید؛ بررسی کنید ناشرانی را هم که در مسیر خوب شدن هستند، تشویق کنید تا دنبال کتاب‌های بهتر بروند؛ این تقسیم‌جواز به ناشران انگیزه می‌دهد؛

- در بحث داوری‌ها، مراقب کتاب‌های ترجمه‌ای باشید. در کشور ما سند ۲۰۳۰ کنار گذاشته شده، اما در کشورهای دیگر کتاب‌ها را بر این اساس می‌نویسند و باید خیلی مراقب این کتاب‌ها بود. شما می‌توانید به آثار بومی امتیاز و ستاره‌های بیشتری را بدهید تا مورد حمایت بیشتری قرار بگیرند؛

- یک کتابچه راهنمای تولید کتاب‌های ادبیات کودک، مثل راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، تدوین کنید؛

- معیارهای داوری را به‌روز کنید و سعی کنید نگاه‌های داوران به نیازها و خواسته‌های مخاطب نزدیک‌تر شود؛ این نزدیکی هم باید شامل محتوا باشد، هم تصویر؛

- و آخرین خواسته‌ام اینکه بسته آموزشی را جدی بگیرید. بسته‌های آموزشی می‌توانند به دانش‌آموزان بسیار کمک کنند.

**جوانه:** فقط برای اطلاع دوستان عرض کنیم که در پایان هر سال فهرست کتاب‌های مناسب سال به همه ناشرانی که کتاب مناسب داشته‌اند، تقدیم می‌شود. در حوزه داستان جلسه‌ای را با حضور ناشران برگزار کردیم که گزارشش در **جوانه آمده است؛ و موضوع بسته‌های آموزشی هم به طور جدی در جلسات کارشناسان سازمان دنبال می‌شود.**

**خاکبازان:** موضوع تفاوت سلیقه داوران، که اشاره شد، در همه جشنواره‌ها اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی که کتابی منتشر کرده است، فکر می‌کند خوب است.

**توکل:** من چند سالی دبیر جشنواره کتاب برتر بودم. در جشنواره داوران یک بحث‌اند، شیوه داوری یک بحث دیگر. ضوابط داوری و فرایند داوری خیلی مهم است و تا جای ممکن باید کیفیت به کمیت تبدیل شود تا از حالت سلیقه صرف خارج شود. ضمن این‌که فرایند داوری هر چند سال یک بار باید بازنگری شود.

**جوانه:** از حضور همه شما در این نشست سپاس گزاریم.

رشدجوانه  
شماره ۶۱  
پاییز ۱۳۹۷



## چند نکته درباره داستان‌های نوجوانان

# از خودرو حمایت می‌شود، از فرهنگ نه

تعدادی را انتخاب و ترجمه می‌کنند. بنابراین این‌طور نیست که مترجمان در میان کتاب‌ها بگردند و کتاب خوب را انتخاب کنند. زمانی آقای ابراهیمی الوند ۲۰۰ کتاب می‌خرید و از بین آن‌ها ۲۰ کتاب ترجمه می‌شد؛ خیلی گزیده کار می‌کردند. اگر قرار است ما کتابی را ترجمه کنیم، باید هم گزیده باشد؛ اما الان ناشران دنبال چاپ مجموعه‌ها هستند که فروش بهتری دارد. این‌طور کتاب منتشر کردن برای ناشر سود دارد، برای مترجم هم صرفه دارد؛ اما برای بچه‌ها معلوم نیست مفید باشد.

ذهنیتی در جامعه ما وجود دارد که جنس خارجی را بهتر از جنس ایرانی می‌داند؛ حتی کالای فرهنگی‌اش را. حال سؤال این است که چرا برای حمایت از تولید داخلی بر خودروهای خارجی تعرفه می‌گذارند، اما برای کار فرهنگی این کار را نمی‌کنند. چرا آنقدر که از خودروسازان داخلی حمایت می‌شود، از نویسندگان داخلی حمایت صورت نمی‌گیرد؟ آخرین جایی که به آن بودجه می‌دهند، مراکز فرهنگی، آن هم مراکز وابسته به دولت است. نوشتن کار سختی است و گاه نویسنده طی یک سال یک رمان می‌نویسد؛ بنابراین باید از نویسنده حمایت کرد؛ اما حتی مسئولان فرهنگی هم امتیازی برای تألیف قائل نیستند. الان بخش فرهنگی ما روی حرکت اتوماتیک است؛ خودش حرکت می‌کند و کسی با آن کاری ندارد.

این ذهنیت بر ناشران ما هم اثر گذاشته است. آن‌ها بیشتر مجموعه‌های خارجی را تهیه و ترجمه می‌کنند و کمتر کتاب‌های تألیفی را می‌پذیرند، چون معتقدند کتاب‌های تألیفی خوب نیستند. ناشر به‌طور طبیعی دنبال کسب‌وکار و سود است، ولی بعضی بی‌انصافی می‌کنند و فقط کسب‌وکار می‌کنند. بالاخره ناشر وارد حوزه کار فرهنگی شده، و برای کار فرهنگی معیارهایی وجود دارد. مثل حمایت از نویسندگان داخلی و تشویق نوجوانان به خواندن داستان ایرانی. البته این نکته غیرقابل انکار است که داستان ایرانی اگر جذاب باشد نوجوانان استقبال می‌کنند.

نوجوانان امروز به دلیل فضای مجازی و اطلاعاتی که کسب می‌کنند با نوجوانان گذشته تفاوت دارند. من در کارگاه داستان‌نویسی که با آن‌ها دارم، سعی می‌کنم کتاب‌های خوب مربوط به سن‌شان را در اختیارشان بگذارم، ولی می‌گویند به ما کتاب بزرگ‌سال دهید. در واقع علاقه‌مندند که جلوتر از خودشان باشند. از نظر روحیه هم اغلب نوجوانان همین‌طورند. مثلاً شعرهای شاعری را که برای نوجوانان شعر می‌گوید نمی‌خوانند؛ در عوض سراغ شعرای دیگری مثل فروغ می‌روند. دوست دارند بگویند ما بزرگ شده‌ایم. از سوی دیگر نویسندگان ما هم طوری داستان می‌نویسند که انگار اصلاً با حال و هوای نوجوان آشنایی ندارند. یک داستان بچگانه می‌نویسند و به عنوان داستان نوجوان ارائه می‌کنند. معلوم است که چنین داستانی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. گاهی برخی نویسندگان فکر می‌کنند اگر قرار است با نوجوان ارتباط برقرار کنیم، باید داستان عشقی بنویسیم. درحالی‌که این‌طور نیست. باید جمعی از عناصر، از جمله هیجان، در داستان نوجوان کنار هم قرار بگیرند تا یک داستان خوب نوجوان شکل بگیرد. رمان نوجوان هم باید پیچیدگی‌های خاص خود را داشته باشد؛ اما چون ما نمی‌توانیم در داستان کشتی ایجاد کنیم، سعی می‌کنیم با نصیحت کردن حجم کار را بالا ببریم که به اثر لطمه می‌خورد.

تعداد کتاب‌های تألیفی در این دوره از جشنواره کم نبودند؛ اما معمولاً تعداد آثار ترجمه بیشتر است و اشکالش هم در این است که این کتاب‌ها، غالباً آثار منتخب نیستند. ما وقتی به ناشران مشورت می‌دهیم می‌گوییم اگر قرار است کتاب تألیفی خوب باشد، کتاب ترجمه باید عالی باشد. اما مترجمان ما نمی‌توانند به کشورهای انگلیسی‌زبان بروند و کتاب‌ها را مطالعه و از بین آن‌ها برای ترجمه انتخاب کنند. بنابراین از فهرست‌هایی استفاده می‌کنند که انجمن‌ها یا کتابخانه‌ها یا مراکز فعال در حوزه کتاب پیشنهاد می‌دهند. مترجمان از میان کتاب‌های معرفی شده،